

صد و ششمین برنامه «کانون فیلم» زیر نظر حسن فیاد و با همکاری یاران کانون فیلم، یک شنبه ۲۸ ماه آگوست سال ۲۰۱۱ برگزار شد.

در این برنامه ابتدا محمود نفیسی سخنانی دربارهٔ صادق هدایت ایراد کرد و گزیده‌ای از سخنان هدایت را دربارهٔ نویسندگی و زندگیش نقل کرد. آنگاه فیلم «قصه‌های یک زندگی» و سپس فیلم «گجسته دژ» به نمایش درآمد. اولین بخش از «قصه‌های یک زندگی» ساختهٔ حسن هدایت، «دون ژوان کرج» است. این داستان یکی از داستان‌های رئالیستی هدایت در زمینهٔ طنز اجتماعی است. در اینجا مضمون داستان‌های «عاشقانه» را به روشنی می‌بینیم. آدم‌های داستان چهار نفرند: راوی، حسن، معشوقهٔ حسن و جوانی هرزه که دون ژوان نامیده می‌شود. حوادث داستان در مهمانخانه‌ای در کرج روی

چهار فیلم کوتاه براساس داستان‌های هدایت در کانون فیلم

سرم پنجره داشته باشه، مته اینه که افکارم پراکنده می‌شه. از روشنائی هم خوشم نمیاد، جلو آفتاب همه چیز لوس و معمولی میشه. ترس و تاریکی منشاء زیبائیس...» راوی صبح که بیدار می‌شود برای خداحافظی به سراغ میزبانیش می‌رود: «دیدم میزبانم با همان پیژامای پشت گلی، دست‌ها را جلو صورتش گرفته، پاهایش را توی دلش جمع کرده و به شکل بچه در زهدان مادرش درآمده و روی تخت افتاده است. رفتم

حرکت کنند، مردی که پالتوی بارانی به خود پیچیده بود به طرف راوی می‌رود و او را به خانهٔ خودش دعوت می‌کند. راوی هم به دنبالش از چند کوچهٔ پست و بلند رد می‌شود و بعد وارد خانه اش می‌شود. مرد، راوی را برای درد دل به اطاق خودش می‌برد: «فقط توی این اطاقه که می‌تونم در خودم زندگی بکنم و قوایم به هدر نره. این تاریکی و روشنائی سرخ برام لازمه. نمی‌تونم تو اطاقی بشینم که پشت

می‌دهد. حسن، و معشوقه اش همراه راوی داستان برای گذراندن ایام عید و گردش به کرج می‌روند. راوی در کرج با دون ژوان برخورد می‌کند و او را به حسن و زنتش معرفی می‌کند. دون ژوان می‌خواهد زن حسن را قُربزند. حسن که بی‌اعتنائی معشوق را می‌بیند، به مشروب پناه می‌برد و تصمیم می‌گیرد خودش را از شر این زن خلاص کند.

«تاریکخانه»، دومین داستان، حکایت مردی است با پالتویی بارانی که شبانه سر راه خونسار سوار اتومبیل حامل راوی می‌شود. وقتی شوهر در خونسار جلو گاراژ مدنی نگه می‌دارد تا شب را در آن جا بگذرانند و صبح

ایران می توان تلقی کرد. آثار هدایت مثل «ترانه های خیام» آئینه ای است که هر کس ولو بی قید و لایبالی هم باشد، یک تکه از افکار، یک قسمت از یأس های خود را در آن می بیند و تکان می خورد.» و با آنکه بیش از نیم قرن از انتشار این آثار می گذرد، مثل «شراب گس و تلخ مزه خیام هرچه کهنه تر می شود بر گیرندگی اش می افزاید.»

جلسه بحث و گفتگو پس از نمایش فیلم با مهمان برنامه، مصطفی حجی، یوسف شهاب و حسن فیاد بر گزار شد.

بازتابی واقعی و صادقانه از زمانه ظالمانه، فاسد و پُراشوبی است که استبداد و خفقان در آن بیداد می کرد. هدایت در چنین روزگاری می زیست و از بی عدالتی های اجتماعی و جهل و فقر مردم مظلوم رنج می برد. به همین جهت، بدبینی بی حد و حصر، پوچ گرائی خارق العاده (که درحقیقت، باید به واقع بینی او نسبت داد) سایه کابوس هولناکی بر پاره ای از داستان هایش انداخته است. در واقع، آثار هدایت را به منزله یک دوره از تاریخ تحریف نشده مسائل اجتماعی

نزدیک، شانه او را گرفتیم و تکانش دادم، اما او به همان حالت خشک شده بود...»

«سفر» آخرین روزهای زندگی هدایت و خودکشی او را در پاریس بررسی می کند.

«گجسته دژ» فیلم دیگری است براساس داستانی از هدایت به همین نام که ساخته مهرداد زاهدنیا است و حکایت کیمیاگری را باز می گوید که برای یافتن اکسیر اعظم و به دست آوردن طلا، ندانسته دخترش را می کشد.

آنچه در داستان های هدایت می گذرد،

جایزه «امی» برای مارتین اسکورسیسی

سریال بیشتر به رمان های دوران ویکتوریا می ماند که به صورت پاورقی نوشته می شد و بعد به شکل رمان به چاپ می رسید. چارلز دیکنز بدینگونه می نوشت و شاید هم به همین دلیل بود که گریفیت فنون داستان گوئی در سینما را از او آموخت و همیشه سر صحنه های فیلمبرداریش رمانی از دیکنز را به همراه داشت.

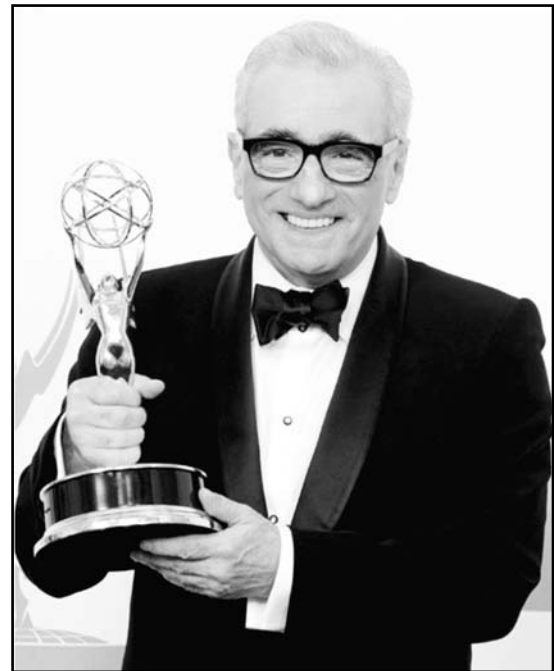
اسکورسیسی می گوید: «من فکر می کنم در تلویزیون راحت تر می توان کار کرد و فرصت بهتری در اختیار داریم که فارغ از توجه به بازگشت سرمایه و فشارهای تجارتی، فیلم بسازیم. فرصتی که در اختیار فیلمسازان مستقل هم نیست.»

جای تعجب است که زمانی کارگردان های تلویزیونی می کوشیدند تا به سینما راه یابند و فیلم سینمایی بسازند، ولی امروزه شاهد هستیم که اغلب کارگردانان و هنرپیشه های مشهور سینما به تلویزیون روی آورده اند و کار در این رسانه را بر سینما ترجیح می دهند.

امی، همتای اسکار در تلویزیون، را برای بهترین کارگردانی سریال تلویزیونی HBO موسوم به Boardwalk Empire از آن خود کرد.

او که از دریافت جایزه امی شگفت زده شده بود اظهار کرد که هرگز دریافت این جایزه را در خواب هم نمی دیده است. اما بردن این جایزه مثل جایزه اسکار خشنود کننده است. او درباره کار در تلویزیون می گوید: «تلویزیون رسانه دیگری است ولی ما این سریال را با همان طرح و رویکرد به فیلم ساختیم با این تفاوت که این فیلم خیلی طولانی تر از یک فیلم سینمایی بود ولی این فرصت را به من داد که بتوانم شخصیت های این سریال را بهتر و بیشتر پرورش دهم.»

اسکورسیسی معتقد است که این



مارتین اسکورسیسی که برای علاقه مندان سینما نامی آشناست، در شصت و سومین دوره جوایز امی که در روز یکشنبه ۱۸ سپتامبر در سالن تئاتر نوکیا شهر لس آنجلس برگزار شد، جایزه



مظنون به نام تروریست و شکنجه آنها در زندان های گوانتانامو، احساس ندامت نمی کند. از نظارت غیرقانونی بر فعالیت های شهروندان آمریکائی، کسب اطلاعات خصوصی آنها، گوش دادن به مکالمات تلفنی و حتی دستگیری و بازداشت آنها به نام حفظ امنیت کشور ابائی ندارد و انتقاد و سرزنش

ما را از هزارتوی هشت سال معاونت ریاست جمهوری با راهنمایی های خاص خودش می گذراند. در واقع، چی نی را باید یکی از قدرتمندترین معاون های ریاست جمهوری آمریکا در تاریخ سیاسی این کشور دانست که آدمکی چون جورج بوش را هرطور که می خواست کوک می کرد و نظرات و

در فیلم «چند آدم خوب» که در دهه ۱۹۹۰ به نمایش عمومی درآمد و در آن جک نیکلسون در نقش نیتان جساپ، سرهنگ نیروی دریائی بازی درخشانی ایفا کرد، با یک بازجو در دادگاه نظامی روبرو می شود که از او می پرسد آیا هنوز باور دارد که اقداماتش برای امنیت کشور و ملت آمریکا قابل توجیه

«در دوران من»: خاطرات دیک چی نی

سیاستمداران داخل و خارج از حکومت بوش را بکلی نادیده می گیرد و تاکید می کند که اگر دوباره بر مسند قدرت بنشیند، همین راه و روش را توصیه و دنبال خواهد کرد. از خوانندگان خود می خواهد اعتقادات خود را نسبت به اینکه اعمال و دستورات او غیرقانونی، مبالغه آمیز و غیر اخلاقی بوده است، کنار بگذارند چون حفاظت و امنیت کشور برای او دلیل موجهی است برای اجرای همه این تصمیمات و سیاست هائی که او پیوسته از آنها در طول هشت سال خدمت (یا

سیاست های خودش را بر او تحمیل می کرد. چی نی وضعیت خودش را با خونسردی و به صورتی خشک و بی روح مطرح می کند و به توصیف واکنش های خود نسبت به حمله تروریستی یازدهم سپتامبر می پردازد. حتی از دستور خود به هواپیماهای نظامی که می توانند هواپیماهای غیرنظامی و سرنشینان آنها را در صورتی که تشخیص دهند تروریست اند، سرنگون کنند، شرم ندارد. از حمله به افغانستان و عراق و کشته شدن میلیون ها مردم بی گناه، و نیز از دستگیری و زندانی کردن آدم های

است؟ او در پاسخ بازجو می گوید: «حقیقت را می خواهید؟ حقیقت را نمی توان کنترل کرد!»

تا آنجا که می دانیم جساپ هرگز اتوبیوگرافی خود را ننوشت اما اگر آن را می نوشت، لحن کلامش با کتابی که اخیراً دیک چی نی بنام «در زمان من» نوشته است، فرقی نداشت. چی نی در کتاب خود از جورج بوش و تصمیمات و سیاست هایش، پس از حمله تروریستی یازده سپتامبر، دفاع می کند و این تصمیمات و سیاست ها را توجیه و بررسی می کند. دیک چی نی در کتاب خود

کاملاً بی گناه است زیرا او قربانی دسیسه‌ها و تبلیغات سوء مخالفان دولت شده است. و سرانجام به بوش خاطر نشان می‌کند که او آدم خوبی را که در میدان جنگ آسیب و زخم‌دیده است، بی دلیل به حال خودش رها کرده است. این قضیه نشان می‌دهد که حتی بوش هم نتوانسته است مطابق میل و معیار مورد نظر چی نی رفتار کند.

چی نی هرگز نمی‌کوشد خواننده را از نظر عاطفی با بحث و استدلال خود درگیر کند. در حالی که جساب، همتای داستانی و سینمایی او در فیلم «چند آدم خوب» بی آنکه مایه شگفتی باشد، به مراتب با زبانی قدرتمندتر و رساتر در دادگاه سینمایی از سیاست‌های مهم و اساسی خود دفاع کرد و گفت تصمیمات ناراحت‌کننده و نه‌چندان محبوب و مطلوب برای حفظ امنیت مردم و کشور در برابر خطرات عظیمی که ما را تهدید می‌کند، لازم و ضروری است.

جساب سرانجام در یک محاکمه نظامی محکوم شد در حالی که درباره چی نی، در عوض، در دادگاه افکار عمومی قضاوت خواهد شد.

کتاب چی نی به منزله در خواست رسیدگی به بی‌گناهی این هر دو شخصیت داستانی و واقعی است. این کتاب، در عین حال، نسبت به تعادل میان لزوم اساسی امنیت جسمانی ما و معیارهای والاتر اخلاقی ما که همان آرمان‌های دموکراتیک است، پرسش‌های دشوار و ناراحت‌کننده‌ای را مطرح می‌کند.

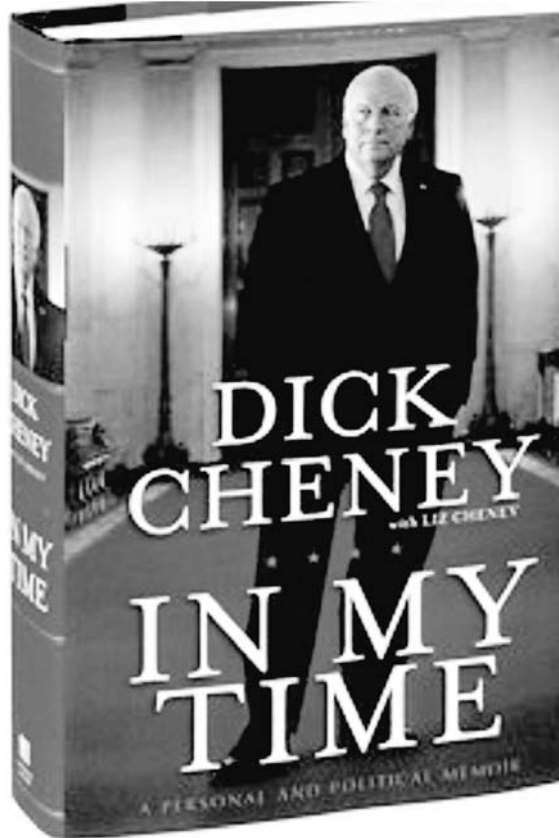
آیا هشت سال حکومت بوش و چی نی را باید خدمت خواند یا خیانت! بی تردید، گذر زمان و تاریخ بهترین قاضی است.

متن وقایع نیست که در حاشیه این وقایع قرار دارد. او ناامیدی خود را از برکناری وزیر دفاع آمریکا، دونالد رامسفیلد، و بعد ژنرال پیتر پیس در فصلی دیگر از کتاب ابراز می‌کند و از عدم تصمیم‌گیری بوش در مورد ایران، سوریه، و کره شمالی متعجب و آزرده می‌شود.

با این حال، چی نی ناخشنودی خود را از تصمیم بوش مبنی بر اینکه مشاور معاونت ریاست جمهوری، لوئیس اسکوتربلی را مورد عفو قرار نمی‌دهد، با صراحت و ندامت خارق‌العاده‌ای ابراز می‌کند زیرا برخلاف محکومیت لیبی به جرم دروغ گفتن به ماموران FBI و مانع ترائشی بر سر تحقیقات پرونده‌عاملان افشای هویت «والری پلیم»، مامور سازمان ضد اطلاعات سیا و صحت مدارک جنگ عراق، معتقد است که لیبی

خیانت؟) خود حمایت کرده است. آمریکائی‌ها معمولاً وقتی شکوه می‌کنند که دولتمردان منتخب ما توجه زیادی به بخت سیاسی خود دارند، از آنها بخاطر اینکه بیش از حد تحت تأثیر نظرخواهی‌ها قرار می‌گیرند و نگران مبارزات انتخاباتی آینده‌شان هستند تا مبادا چیزی اظهار کنند که به انتخاب آنها آسیب رساند، انتقاد می‌کنند. اما از آنجا که چی نی بارها اظهار کرده بود که نمی‌خواهد پس از اتمام دوره بوش به نامزدی حزبی برگزیده شود، آزادانه و بی‌توجه به انتقادات و نظرخواهی‌ها اعتقادات سیاسی‌اش را به هر نحوی که می‌خواست بیان می‌کرد و مطلقاً به سیاست‌روز و محبوبیت‌های زودگذر توجهی نداشت. حتی برای خوش آمد همکارانش نیز از ابراز عقاید تند و تیز خود اجتناب نمی‌کرد.

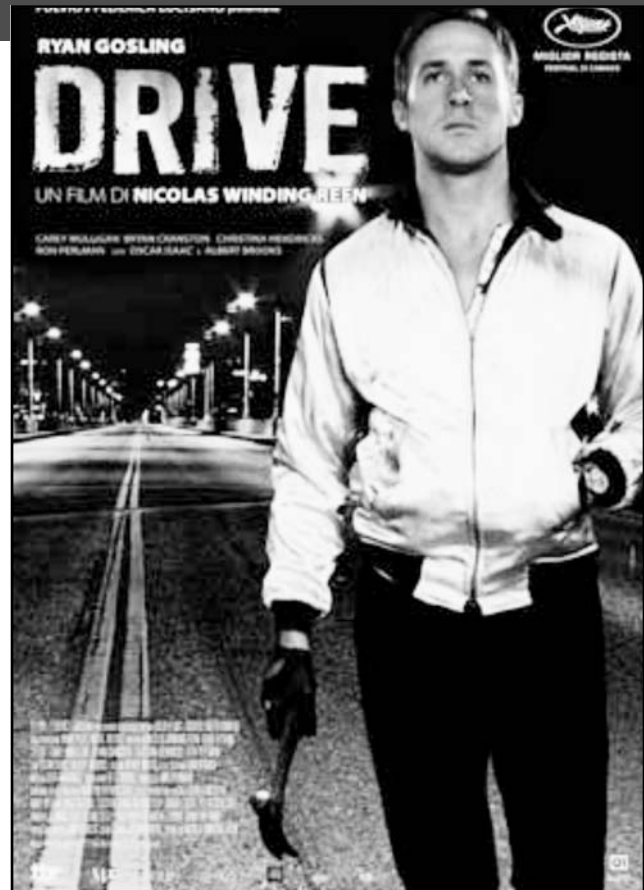
چی نی بخش اعظم کتاب خود را به اشغال نظامی آمریکا در عراق اختصاص داده است و توجه خود را به مجادلاتی چون آیا صدام حسین سلاح‌های اتمی دارد یا می‌تواند بسازد معطوف می‌کند و در نتیجه به دیگر اعضاء کابینه بوش از جمله کولین پاول، کاندالیزا رایس و جورج تننت، رئیس‌سی.ای.ا. عتنائی ندارد. با این حال، جالبترین بخش کتاب مربوط به احساسات چی نی نسبت به جورج بوش می‌شود. چی نی اقدامات و تصمیمات بوش در سه سال پس از واقعه یازدهم سپتامبر را می‌ستاید ولی از رفتار و اقدامات او در دوره دوم ریاست جمهوری‌اش، سخت آزرده خاطر می‌شود زیرا چی نی دیگر آن قدرت و نفوذ دوره اول بوش را ندارد و نقش او دیگر در





امینی به عنوان بهترین سناریو اقتباسی نامزد جوایز متعددی از جمله اوسکار، اتحادیه سناریست های آمریکا، دانشگاه USC و ستلایت شد. امینی سناریوهای دیگری هم برای فیلم های سینمایی نوشته است که یکی از آنها به نام «Drive» ماه گذشته به نمایش عمومی در آمد، و بی تردید یکی از رقبای سرسخت فیلم های بزرگانی چون کلینت ایستوود، مارتین اسکورسیسی، استیون اسپیلبرگ خواهد بود.

این فیلم را نیکولاس ویندینگ رفن کارگردانی کرده است که جایزه بهترین کارگردانی جشنواره اخیر کن را نیز از آن خود کرد.

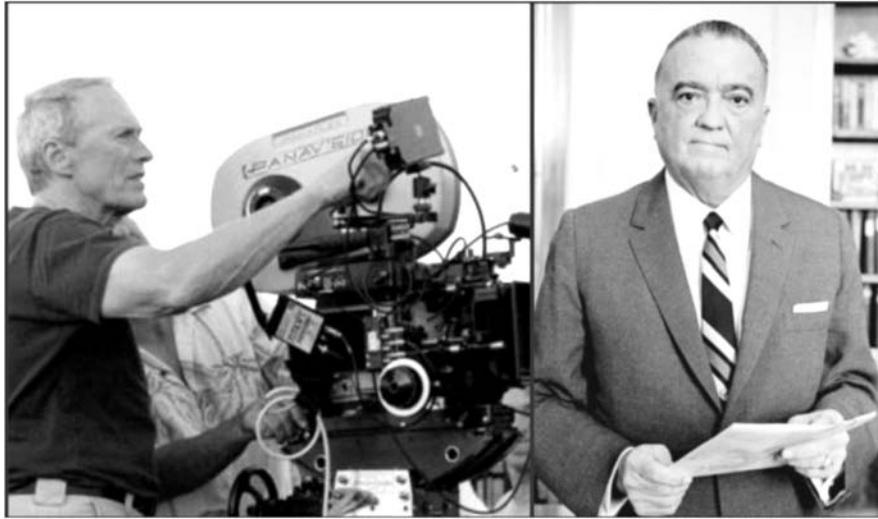


«رانندگی» فیلمی جالب و متفاوت براساس سناریوی از حسین امینی



حسین امینی، سناریست برجسته ایرانی، با اینکه چهل و پنج سال دارد ولی سال هاست که سناریو می نویسد و در میان دوستداران سینما به استادی در اقتباس از آثار ادبی نویسندگان جهان مشهور است. امینی در سال ۱۹۹۲ با نوشتن سناریوی بنام «خاموشی نور»، (The Dying of the Light) براساس زندگی «شان دوروس» کارمند یونیسف که در شرق آفریقا به قتل رسید، کار سناریو نویسی حرفه ای خود را آغاز کرد. امینی و کارگردان فیلم، پیتر کاسمینسکی هردو نامزد جایزه بفتا برای بهترین درام تلویزیونی شدند. اولین سناریو سینمایی امینی «Jude» نام داشت که اقتباسی بود از رمان توماس هاردی بنام «جود گمنام». امینی برای این سناریو نامزد جایزه ستلایت برای بهترین سناریوی اقتباسی شد. سناریو بعدی امینی، Wings of Dove، براساس رمان هنری جیمس بود. سناریو

فیلم تازه کلینت ایستوود در جشنواره انستیتوی آمریکا



بیست و پنجمین سال جشنواره انستیتوی فیلم آمریکا در سوم نوامبر سال جاری با فیلم زندگینامه رئیس جنجالی اف. بی. آی. ساخته کلینت ایستوود آغاز خواهد شد و تا دهم این ماه ادامه خواهد داشت. در این فیلم، لئوناردو دوکاپریو در نقش هورر ظاهر خواهد شد. هورر تا زمان بازنشستگی سال ها رئیس اف. بی. آی. بود و از قدرتمندترین و بانفوذترین رؤسای این اداره که همه از او حساب می بردند و وحشت داشتند چون پرونده محرمانه همه سیاستمداران را در اختیار داشت. شایعات زیادی نیز درباره زندگی خصوصی اش انتشار یافته بود که سرانجام باعث کناره گیری اش از این مقام شد و معلوم نیست ایستوود کدام یک از جنبه های زندگی او را در فیلم خود بررسی می کند چرا که هورر شخصیتی پیچیده، منزوی و در عین حال قدرتمند داشت و به شایعات توجهی نمی کرد.

که جشنواره با آن افتتاح خواهد شد، باید یک سری بلیط ویژه خریداری کنند که بهای آن از هزار و پانصد تا پنج هزار دلار خواهد بود. فیلم «ادگار هورر» یک هفته بعد از نمایش آن در این جشنواره به مدت چند هفته به نمایش عمومی در خواهد آمد تا برای نامزدی جوایز اسکار واجدالشرایط شود.

در این فیلم علاوه بر دوکاپریو، هنرپیشه های برجسته دیگری چون آرمی همر، جودی دنچ و نانومی واتس بازی دارند. انستیتوی فیلم آمریکا برای سومین سال پیاپی برای اغلب فیلم هایی که نمایش می دهد، بلیط های مجانی در اختیار تماشاگران می گذارد اما تماشاگران برای دیدن فیلم «ادگار هورر»

بازگشت تئاتر موزیکال بینوایان به لس آنجلس

دیگر آمریکا نیز بر صحنه خواهد آمد و به تور خود ادامه خواهد داد.



نظیری روبرو شد. مدیر این تئاتر اخیراً اظهار داشت که تئاتر موزیکال «بینوایان» در زمان مناسبی بر صحنه آمد و تماشاگران لس آنجلس نیز برای دیدن آن آمادگی داشتند. اما یکی از موفقیت های این تئاتر در لس آنجلس بخاطر طراحی صحنه های آن بود که تماماً از نقاشی های ویکتور هوگو، نویسنده اش، اقتباس شده بود و هنگام اجرای آن نیز در سالن جنبی تئاتر این نقاشی های هوگو به نمایش گذاشته شده بود. این نمایشنامه در ایالات

«بینوایان» یکی از رمان های برجسته و پر فروش قرن نوزدهم است که نام ویکتور هوگو، نویسنده اش را در عالم نویسندگی جاودانه کرده است. فیلم های متعددی تاکنون بر اساس آن ساخته شده است و سال ها پیش نمایشنامه موزیکالی بر اساس آن در برادوی تولید شد که از پر فروشترین نمایشنامه های موزیکالی بود که تا به حال در برادوی بر صحنه آمده است. اجرای آن در برادوی شانزده سال ادامه داشت. این نمایشنامه اخیراً در تئاتر آهمانسون لس آنجلس پنجاه و پنج بار اجرا و با استقبال کم